

طبق روال هر سال ، روز ۱۶ آذر ، به مناسبت روز دانشجو برنامه ای تحت عنوان همین موضوع در دانشگاه برگزار می‌شود. روزی که طبیعتا یادآور و معرف هویت و اصالت دانشجو به دانشجویان و حتی جامعه است. آزادیگی و عدالتخواهی به همان معنای عظیم و والا در این برنامه باید در تحرکات دانشجویی به نمایش گذاشته شود. روزی که دانشجو را تشویق به فکر و تعقل و شعور می کند نه به خواب آلودگی و سستی و تنبلی در پوشش شادی و شور و جزدگی. در اولین ۱۶ آذر سال ورودی ام به دانشگاه ، با توجه به عدم شناخت کافی از فضای موجود در دانشگاه ، برنامه‌ی روز دانشجو برابیم خیلی جالب و جذاب بود. در واقع ظاهری زیبا اما باطنش چون طبلی تو خالی؛ بدون این که هیچ فکری به مخاطب القا شود. هیچ خبری از هویت اصلی دانشجو نبود. گذشت و گذشت و این موارد هر سال تکرار می‌شد .

اهداف مقدس دانشجو دیگر ملاک قرار نمی‌گرفت. او دیگر تصمیم گیر نبود و گویا افراد دیگری برای او تصمیم گیری می‌کردند و از من و تو به عنوان ابزاری برای رسیدن به قدرت استفاده می‌کردند. مگر اینجا استودیوم فوتبال است که دو طرف همچون پیاده نظام های احزاب سیاسی بدون هیچ منطقی برای هم رجز بخوانند؟ نمی‌خواهم از حزب و گروهی طرفداری کنم. بحث من جناحی نیست چون دیگر از جناحی حرف زدن خسته شده ام. من و شما در دانشگاه حافظ منافع احزاب سیاسی و سیاسیون نیستیم که بخواهیم



«هیچ شک و تردیدی ما را از مقابله با اهل شام باز نمی‌دارد. ما در گذشته با نیروی استقامت و تفاهم بین شما، با اهل شام می‌جنگیدیم، ولی امروز بر اثر کینه‌ها اتحاد و تفاهم از میان شما رخت بر بسته، استقامت خود را از دست داده و زبان به شکوه گشوده‌اید.

وقتی که به جنگ صفین روانه می‌شدید دین خود را بر منافع دنیا مقدم می‌داشتید، ولی امروز منافع خود را بر دین خود مقدم می‌دارید. ما همان گونه هستیم که در گذشته بودیم، ولی شما نسبت به ما آن گونه که بودید وفادار نیستید.

عده‌ای از شما، کسان و بستگان خود را در جنگ صفین، و عده‌ای دیگر کسان خود را در نهروان از دست داده‌اند. گروه اول، بر کشتگان خود اشک می‌ریزند؛ و گروه دوم، خون‌بهای کشتگان خود را می‌خواهند؛ و بقیه نیز از پیروی ما سرپیچی می‌کنند!

معاویه پیشنهادی به ما کرده است که دور از انصاف، و بر خلاف هدف بلند و عزت ما است. اینک اگر آماده کشته‌شدن در راه خدا هستید، بگویید تا با او در مبارزه برخیزم و با شمشیر پاسخ او را بدهیم و اگر طالب زندگی و عافیت هستید، اعلام کنید تا پیشنهاد او را بپذیرم و رضایت شما را تأمین کنیم.»

سخن امام که به اینجا رسید، مردم از هر طرف فریاد زدند: « البقیة، البقیة؛ ما زندگی می‌خواهیم، ما می‌خواهیم زنده بمانیم!»

این سطور گفته‌های امام حسن مجتبی (ع) در منطقه ساباط مدائن بود ، یعنی آخرین نقطه‌ی پیشروی سپاه امام، تا مردم را آماده جنگ با معاویه کند. امام به خوبی می‌دانست که بی‌وفایی مردم کوفه در مدائن آشکار خواهد شد. از این رو مدائن را میعادگاه امتحان وفاداری مردم برگزید. گروهی همان ابتدا بهانه آورده و بی‌وفایی خود را نشان دادند؛ همان‌گونه که پیش‌تر نیز با علی این‌گونه کرده بودند. گروهی نیز در مدائن و یا در بین راه، بی‌وفایی خود را آشکار ساختند و گروهی دیگر به همراه امام به سوی مداین به راه افتادند.

بزرگترین و شوم‌ترین توطئه‌ی معاویه بر ضد امام حسن(ع)، شایعه‌هایی بی اساس بود که در میان لشکریان خود و امام پخش کرده بود. بدترین شایعات، شایعه‌ی صلح امام با معاویه بود. جاسوس‌های معاویه در بین مردم شایع کردند که: «امام حسن(ع) پیشنهاد صلح به معاویه داده است؛ ولی هنوز معاویه این پیشنهاد را نپذیرفته است.»

امام حسن(ع) با یاران بی‌وفایی روبرو بود که عده‌ای از آنها در مقابل تطمیع‌های معاویه خود را باخته بودند و برقِ سیم و زرهای فتنه‌گر شام، عقل از سرشان ربوده بود و به لشکر معاویه ملحق شده بودند و جمعی دیگر از آنها برای معاویه نامه نوشته بودند که ما حاضریم حسن‌بن‌علی را دست بسته تحویل دهیم. عده‌ای از یاران امام با شنیدن شایعه صلح، امام و پدر گرامی‌ش را به شرک متهم کرده و ایشان را زخمی کردند و عده‌ای به خیمه ایشان حمله‌ور شدند و آن را غارت کرده و سجاده از زیر پایش و ردا را از دوشش کشیدند. امام از بی

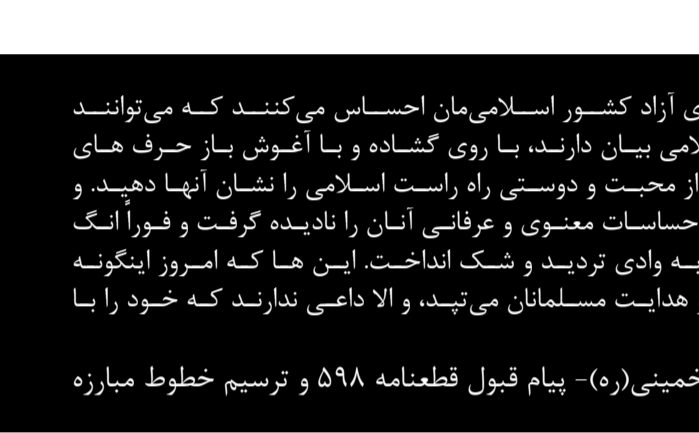
دانشگاه، جولان‌گاه احزاب سیاسی

مطالبات آن ها را برای رسیدن به قدرت پیگیری کنیم. روز دانشجو روز شما است نه روز سخنرانی‌های تکراری.

برنامه‌های ۱۶ آذر امسال که اصلا رنگ و بویی از جنبش دانشجویی نداشت. شاید در ظاهر میزبان و شرکت کنندگان ، دانشگاه و ما دانشجویان بودیم اما درعمل همچون میتینگ سیاسی انتخاباتی برای هر دو جناح بازی بود. عده‌ای همواره بر آن بوده و هستند که قدرت و جاه و مقام غصب شده‌ی خود را بازستانند و از هر راهی که بتوانند دریغ نمی‌کنند. یکی از جاهایی که آن ها برای رسیدن به هدف خود انتخاب می‌کنند دانشگاه تهران است و چه جایی بهتر از این جا. قلب تپنده‌ی دانشگاه‌های کشور که از لحاظ استراتژیکی بسیار مهم است. اگر دانشگاه تهران عطسه کند دانشگاه‌های کشور سرما می‌خورند و اگر سرما بخورد بقیه سرطان می‌گیرند و اگرسرطان بگیرد دانشگاه‌ها می‌میرند. پس بدانید که در کجا هستید و کجا قرارگرفته اید . غفلت و حواس پرتی شما پاشنه‌ی آشیل و نقطه‌ی افول دانشگاه است. مراقب احساسات پاک خود باشید که عده ای آن را به طعمه بگیرند. آخر چه تریبونی بهتر از تریبون دانشگاه تهران برای رسیدن به امیال و آرزوهای افرادی خاص و معلوم الحال وجود دارد. لطفا این تریبون به دست هر کسی برسد تا از شما به عنوان نردبانی برای نیل به خواسته‌های خود استفاده کنند که در وقت بحران و فتنه فقط ما دانشجویان هستیم که آسیب روحی و

جسمی خواهیم دید و از بینی آن ها یک قطره‌ی خون هم جاری نمی‌شود. وقتی که فلان کس پشت تریبون به من و شما بگوید که نباید بگذاریم دولت را آن بقیه به نفع خود مصادره کنند بلکه باید دولت و رئیس جمهور را به طرف خود بکشانیم چه معنا دارد؟ دانشگاه و دانشجویان را با کجا و چه کسانی اشتباه گرفته است؟ این مطالب از عافیت طلبی و تنبلی نگارنده بر نمی‌گردد بلکه می‌خواهم بگویم که ما بایستی هوشیار باشیم و بازی نخوریم. ما نباید به عنوان پیاده نظام های جریان های سیاسی در دانشگاه فعالیت کنیم. چه اصول گرا باشد و چه اصلاح طلب. چرا که در آن صورت وابسته و وام دار آن ها شده و در صورت بروز هر گونه خطا یا اشتباهی از ناحیه‌ی آن ها ما چاره ای جز دفاع از آن ها نخواهیم داشت و عدالت خواهی و آرمان گرایی و مطالبه گری شعاری بیش نخواهد شد. دانشگاه نباید جولانگاه جریانات سیاسی باشد. عده‌ای تلاش می‌کنند که ما در مورد مباحث و مسائل اجتماعی و سیاسی فکر نکنیم وهمواره ما را سرگرم مسائل فرعی و جانبی می‌کنند تا حواسمان به مسائل اصلی پرت شود .

دانشجو هم می‌تواند بازیچه و آلت دست سیاسیون قرار بگیرد و هم می‌تواند هوشیار و زیرک باشد و بلای جان فرصت طلبان و قدرت طلبان قرار گیرد. فقط کافیست در رصد مسائل و اتفاقات عقلانی تصمیم بگیرد و عنصر احساساتش به موقع و به قدر کافی خرج کند.



امروز که بسیاری از جوانان و اندیشمندان در فضای آزاد کشور اسلامی‌مان احساس می‌کنند که می‌توانند اندیشه‌های خود را در موضوعات و مسائل مختلف اسلامی بیان دارند، با روی گشاده و با آغوش باز حرف های آنان را بشنوند و اگر بیراهه می‌روند، با بیانی آکنده از محبت و دوستی راه راست اسلامی را نشان آنها دهید. و باید به این نکته توجه کنید که نمی‌شود عواطف و احساسات معنوی و عرفانی آنان را نادیده گرفت و فوراً انگ التقاط و انحراف بر نوشته‌هاشان زد و همه را یکباره به وادی تردید و شک انداخت. این ها که امروز اینگونه مسائل را عنوان می‌کنند مسلماً دلشان برای اسلام و هدایت مسلمانان می‌تپد، و الا داعی ندارند که خود را با طرح این مسائل به دردسر بیندازند.

امام خمینی(ره)– پیام قبول قطننامه ۵۹۸ و ترسیم خطوط مبارزه

وفایی یارانش شکوه کرد و فرمودند: «به خدا سوگند معاویه برای من از این مردمی که گمان دارند شیعه هستند بهتر است».

به علاوه اینکه معاویه در مقابل تدبیر امام دو راه بیشتر نداشت، یا به مواد معاهده صلح عمل کند که در این صورت امام حسن (ع) به هدفش یعنی عمل به احکام اسلام طبق کتاب و سنت، حفظ خون شیعیان و گرفتن خلافت از دست غاصبان کاخ نشین شام می‌رسید (طبق معاهده بعد از معاویه حکومت به پسرش نمی‌رسید) و یا اینکه معاویه مواد معاهده را زیر پا بگذارد که معاویه این راه را برگزید و در این صورت نقاب از چهره حیله‌گر و فریب‌کارانه معاویه کنار زده می‌شد و مردم پی به جنایت و فساد روحی او می‌بردند و زمینه برای قیام علیه بنی امیه فراهم می‌گشت، که چنین هم شد و زمینه برای شکل گیری نهضت عاشورا فراهم شد.

در علل الشرایع شیخ صدوق (ره) به استنادش از ابی‌سعد عقیص نقل است که گفت: به امام حسن بن علی (ع) گفتم ای پسر رسول خدا (ص) برای چه با معاویه آشتی کردی و صلح او را پذیرفتی در حالی که میدانی حق با توست نه با معاویه و بدرستی که معاویه گمراه و طغیانگر است. حضرت فرمود: ای اباسعید آیا من حجت خداوند متعال که او را بر خلقش یادآور شده و امام مردم بعد از پدرم نیستم؟ گفتم: بله، یابن رسول...، فرمود: آیا من کسی نیستم که رسول خدا (ص) در شأن من و برادرم فرمود حسن و حسین(ع) امام و پیشوای امت من هستند، چه قیام کنند و چه صلح؟ گفتم: درست است یابن رسول...، فرمود: پس من امام هستم اگر قیام کنم یا صلح کنم، ای اباسعید علت مصالحه من با معاویه همان علتی بود که رسول خدا (ص) بواسطه آن با قبایل ضمرةٔ و بنی اشجع و اهل مکه در هنگام بازگشت از محل حدیبیه مصالحه نمود، آنها طبق نص قرآن کریم کافر بودند و معاویه و اصحابش طبق تأویل و تفسیر آیات قرآن کریم کافر هستند، ای اباسعید حال که من از سوی خود امام و پیشوای شما هستم که خداوند معرفی نموده جایز نیست مرا به نادانی متهم کنید، چه آنکه یا جنگ نمایم و حکمت کار من (که به نظر شما ناشایست می‌آید) همانند حکمت کار خضر (ع) می‌باشد، آیا نمی‌دانی خضر (ع) وقتی که کشتی را سوراخ کرد و آن بچه را کشت و دیوار خراب را برپا کرد و ساخت موسی (ع) که با او بود از این افعال او عصبانی شد و به خاطر شبه‌های که برایش پیش آمد و ندانستن حکمت افعال خضر (ع)، تا اینکه به او از اصل جریان خبر داد و موسی (ع) حقیقت امر را دریافت و راضی شد. همینطور خشم و ناراحتی شما به من به خاطر جهل و نادانی شما به حکمت عمل من است. اگر من با معاویه صلح نمی‌نمودم روی زمین احدی از شیعیان ما باقی نمی‌ماند مگر اینکه به قتل می‌رسید».

در حالی که امام حسین(ع) یارانی داشت که هر چند تعدادشان اندک بود ولی از نظر ایمان و استقامت و وفاداری نظیر نداشتند؛ ولی تعداد یاران امام حسن(ع) با یاران معاویه برابری می‌کرد و نتیجه شروع چنین جنگی، تداوم آن و کشته شدن تعداد زیادی از مسلمین بود.

سیره گمی

ما به جای این که نقش خودمان را عوض کنیم و از بازیگری‌ها دست بکشیم، بازیچه‌ها را عوض می‌کنیم و شغل ها را تغییر می‌دهیم همین که در یک مرحله از یک کار وازده می‌شویم، دنبال کاری تازه تر و متنوع تر می‌رویم و خیال می‌کنیم که آزاد شده ایم، در حالی که شغل ها عوض شده اند. و برای همین است که دوباره پس از مدتی خستگی است و وازدگی. گاهی دنبال فقه هستیم و گاهی دنبال حکمت و گاهی دنبال عرفان و هر لحظه به شکلی در می‌آییم ولی آرام نمی‌گیریم و نمی‌رسیم. بی‌ظرفیت و خسته و متحیر و محزون و خائف هستیم و نشان می‌دهیم که هنوز در مرحله‌ی ایمان شکل نگرفته ایم.

اگر به جای این همه بیاییم کارهایی که امکانش را داریم بررسی کنیم و از این میان، بهترین و مهمترینش را انتخاب کنیم، راحت می‌شویم و همان طور که گفتیم در گرو این که به کارمان هم علاقه مند باشیم، نخواهیم بود و از این سطح بیرون می‌آییم و با ذوق وطبع مان حرکت نمی‌کنیم.

و کسی که در این کلاس می‌نشیند دیگر شغل ثابتی نخواهد داشت، که تا آخر عمر چنان خواهیم کرد . کجا خواهیم بود، که هر لحظه همراه تحول ها، تکلیف تازه ای پیش می‌آید. آنچه ثابت و پابرجاست، نقش ماست که عبودیت است و اطاعت. این است که اصالت دارد، نه عبادت، نه خدمت، نه ریاضت و نه شهوت.

کتاب صراط نوشته ع.ص حائری صفحه ۱۵۰

پس اگر نفس تو به تمکین از گذشتگان تن نمی‌دهد و دانستن مبانی علوم آنان را ترجیح می‌دهد، بکوش که تلاش و کاوشت از سر فهمیدن و آموختن باشد، نه به ورطه شبهات غلتیدن و نه به دشمنی و جدال دامن زدن.

از وصایای امام علی (ع) به امام حسن (ع)

پلای جان دختران ما

این روزها استفاده از لوازم آرایشی در میان دختران جوان بسیار شایع شده است. استفاده مداوم و دراز مدت از لوازم آرایش می‌تواند آسیب‌های جدی را به پوست صورت وارد کند و باعث خشکی پوست در درازمدت شود و یا به لک‌های پوستی و از دست رفتن زیبایی بیانجامد.

حال تصور کنید که نوع تقلبی این لوازم که به وفور در بازارهای ایران یافت می‌شود چه آسیب‌های جدی‌تری را بر نواحی پوست، مژه‌ها، ابروها و موها وارد می‌کند و موجب پشیمانی مصرف‌کنندگان شده و این مثل قدیمی که "آمد ابروهایش را درست کند، زد چشمش را کور کرد" تداعی می‌کند.

در این زمینه دکتر داریوش دائر، متخصص پوست و مو با بیان اینکه به طور کلی مواد به کار رفته در لوازم آرایشی مانند مواد رنگی، نگه دارنده یا محافظ و مواد خوشبو کننده، معطر و الکل، بالقوه آلرژی‌زا و حساسیت‌زا است، می‌افزاید: لوازم آرایشی تقلبی که به وفور در بازار وجود دارد بیش از لوازم آرایشی معتبر ایجاد حساسیت کرده و عوارض پوستی برجای می‌گذارد. وی می‌گوید: بیشترین ناحیه‌ای که دچار آلرژی ناشی از مواد آرایشی می‌شود، نواحی دور چشم است. زیرا پوست این ناحیه و نواحی پلک و دور ابرو فقط یک لایه اپیدرم دارد و در نتیجه بسیار حساس، نازک و آسیب‌پذیر است.

بعد از این نواحی، به ترتیب نواحی لب‌ها و دور لب و پس از آن چانه‌ها و برجستگی چانه و کناره بینی دارای بیشترین احتمال ایجاد حساسیت است. این عضو انجمن متخصصان پوست ایران و آمریکا در خصوص عوارض ناشی از حساسیت لوازم آرایشی به ویژه از نوع تقلبی آن بر پوست اظهار می‌کند: این ضایعات به صورت قرمزی، پوسته پوسته شدن، خشکی و خارش به همراه التهاب و سوزش نمایان شود. دائر با بیان اینکه لوازم آرایشی تقلبی آنقدر با مهارت ساخته می‌شود که تشخیص آن با نوع اصل به سختی امکان‌پذیر است، در خصوص مواد مضر تشکیل‌دهنده لوازم آرایشی تقلبی می‌گوید: بسیاری از رژلب‌ها دارای سرب بیش از حد مجاز و آرسنیک است که خطر مسمومیت خونی ایجاد کرده و تأثیرات سویی روی کبد، کلیه و مسیر گوارش باقی می‌گذارد و به طور حتم عوارض پوستی ایجاد می‌کند.

این عضو انجمن لیزر پزشکی ایران درباره استفاده بهینه از وسایل آرایشی که کمترین آسیب را روی پوست وارد کند، می‌گوید: آرایش نباید به مدت طولانی در صورت باقی بماند و لازم است پس از ۱/۵ تا ۲ ساعت پاک شود تا فرصت برای بازسازی، تنفس و باز شدن روزنه‌های پوست فراهم شود و برای پاک کردن مواد آرایشی از صورت بهتر است از شیر پاک‌کن‌ها یا محصولات پاک‌کننده آرایش که از کیفیت آن اطمینان وجود دارد، استفاده کرد.

ایران نخستین بازار بزرگ هدف لوازم آرایشی در منطقه به شمار می‌رود؛ به این معنی که هر ساله ۱۴ میلیون نفر زن ایرانی به میزان ۱/۲ میلیارد دلار از بازار ۲/۷ میلیارد دلاری فروش لوازم آرایشی را در منطقه خاورمیانه به خود اختصاص داده است.

لوازم آرایشی که هر یک از ۱۴ میلیون زن ایرانی سالانه ۱۵۰ دلار و معادل ۳۰۰ هزار تومان برای خرید آنها هزینه میکنند و با توجه به وضعیت کنونی بازار و غیبت شرکتهای تولیدی داخلی این مبلغ به صورت کلی به جیب شرکتهای خارجی سرازیر میشود.

معاون پیشگیری و هماهنگی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز، از ورود ۸۰۰ میلیون دلار لوازم آرایشی قاچاق به کشور خبر داد. به گفته وی سالانه حدود ۱،۵ میلیارد دلار انواع لوازم آرایشی وارد کشور می‌شود که از این میزان ۸۰۰ میلیون دلار آن به صورت قاچاق است.

تنظیم و جمع‌آوری: افشین عزیزی

آورده‌اند که...

امیرعلی شرانلو

روزی عده‌ای از یاران گرد هم آمدندی تا مقاماتی از بلاد غرب را در این سرزمین دعوی کنند تا هم از تحفه‌های آنان نصیبی جمع کنند و هم مغزهایشان را شستشو دهند تا به هنگام عزیمت به غرب، از پیشرفت‌های شهرشان خبرها بازپخش کنند.

و اما بعد...

میهمانان آمدندی و ملاقات‌ها بکردندی و با دو تن از سابقه داران شهر مصافحه کردند و به آن‌ها صلح‌ها و نشان‌ها عطا بکردندی. بزرگان که از این پیش آمد در عجب شده بودند به یکدیگر توپیدند و پیچیدند که این خطا از بهر دیگری بوده و نه از جانب ما. پس از شور بدین نتیجه رسیدندی که مسیر خبط و خطا را از هر کجا که بتوان گرفت سراسر منفعت است. پس دیداری ترتیب دادند آن‌ها را با عالیجناب سرخپوش، لیکن این نیز صفرا فزود و ضعیفه‌ای از ضعیفگان از بهر او برخواست و موجبات لهیدگی او فراهم آورد. بزرگان که دیدند راه گریزی از دسته گل‌های میهمانان نیست به سرعت طیاره‌ای فراهم آوردندی و میهمانان را راهی دیارشان بکردندی و با خود عهد بکردندی که دیگر از این غلط‌ها نکردندی.

نشریه بسیج دانشجویی دانشکده فنی دانشگاه تهران

صاحب امتیاز بسیج دانشکده فنی

زیر نظر شورای سردبیری

شبه ۷ دی ماه ۹۲

نظرات و مطالب خود را با ما در میان بگذارید. nabz.fanni@gmail.com

گیهان شریعتمداری

محمد حسین غفاری

۱. شما فرض کنید از اساس با حسین شریعتمداری مشکل داشته باشی. او را یک فاشیست مترجع بدانی. آن جوانی که با همت و متوسلین و چراغچی و وزوایی و... همراه بوده اصلاً شریعتمداری نبوده. و امان از این فتوشاپ... .

۲. تعجب من از تعجب جامعه است که انگشت حیرت در دهان دارند که چرا به مسی توهین شده است. ملتی که در دانشگاه شریف، قشر تحصیل کرده و منورالفکرش که با همت عالی و استعداد ذاتی و جیب خالی پا بر عرصه دانشگاه گذاشته اند، با چهره ژورنالیست کشورش، آن رفتار را می‌کند، برای مسی انصافاً کم‌کاری کرده‌اند.

۳. در جلوی برد ایستاده‌ام. در حال خوردنم. ترکیبی از حرص و افسوس و حسرت. نه از این‌که چرا با افتخار رفتار سرشار از وقاحت خود را تیتیر کرده‌اند. بلکه برای نیروهایی که زمانی در این انجمن بودند و حداقل می‌دانستند فحاشی علنی به شریعتمداری، دست‌آورد نیست. هزینه است. آن هم برای تشکلی که خرواری از ادعاها را به دوش می‌کشد. اسلافشان می‌دانستند این رفتارها باید تطهیر شوند و ماله کشیده شوند، نه اینکه عریان نمایش داده شوند.

۴. هنوز خیلی فاصله هست بین شرایط ما و این آیه، اما وقتی ماجرای سخنرانی نوه امام در مرقد امام را مرور کردم ناخودآگاه این آیه به ذهنم خطور کرد:

«آنها را که کفار به جای خدا می‌دانند دشنام ندهید که آنان نیز از روی عداوت و نادانی به خدا دشنام دهند»... (۱۰۸ انعام)

۵. حالا تشکلی تلاش می‌کند تا از شریعتمداری اعاده‌ی حیثیت کند و مراسمی می‌گیرد و دانشگاه را که در بهترین حالت آسیب دیده‌ی فتنه بوده است، را سدّی در برابر فتنه می‌خوانند و هیچ کس نمی‌رود تا او را هو کند و ناسزا بگوید شاید تشکلی که هوادارانش چنین می‌کند، چنان تصمیمی را نگرفته است.



اخبار

محمد مهدی غفاری

* فرجی دانا با تاکید بر اینکه نباید در دانشگاه‌ها التهاب ناشی از سیاست رواج یابد، اظهار داشت: وقتی سخن از دانشگاه سیاسی می‌زنیم، به این معنی نیست که دانشجویها مانند احزاب سیاسی عمل کنند، زیرا این نوع نگاه باعث می‌شود اولاً فضای کسب علم مغفول بماند و ثانیاً دانشجویها دیگر روابط صمیمانه‌ای با هم نخواهند داشت که این خود باعث عدم شکل‌گیری ارتباط علمی می‌شود. فکر می‌کنم تا وقتی هدف دانشجویان ورود به دانشگاه گرفتن مدرک باشد، مشکلات اصلی کشور به جای خود باقی خواهند ماند فلذا باید کاری کنیم که این نگاه حذف شود.

* ۱۲ نفر از نمایندگان مجلس با ارسال نامه‌ای به رؤسای قوا خواستار برخورد قاطع با فساد اقتصادی بابک زنجانی شدند. در بخش‌هایی از این نامه آمده است:

«الان هر سه قوه نزد کثیری از مردم متهمند. تعجبی ندارد؛ زیرا وقتی این فرد با مدارک سجلی مجعول در بانک‌های مختلف حساب باز کرده و از آنها تسهیلات می‌گیرد؛ هنگامی که وزارت اطلاعات و نهادهای اطلاعاتی دیگر به پشتیبانی از زنجانی متهم می‌شوند ولی به جای توضیح سکوت می‌کنند؛ هنگامی که وی امین وزارت نفت شناخته شده و پول نفت فروخته شده را برای مدت‌ها پس نمی‌دهد و کسی هم با او کاری ندارد و... چرا متهم نشویم؟»

* معاون شهردار تهران درباره‌ی آلودگی هوا گفته است: بر اساس آمار منابع رسمی، آلودگی هوا هر سال جان ۲ هزار و ۷۰۰ تن از شهروندان تهرانی را می‌گیرد و به عبارتی هر هفته در تهران به دلیل آلودگی هوا ۵۲ نفر کشته می‌شوند که البته این میزان در نیمه دوم آبان، آذر و نیمه اول دی به اوج خود می‌رسد. به گفته او این زنگ خطر امسال هنگامی به صدا در آمده است که هنوز موج اصلی آلودگی هوا از راه نرسیده است.